

فوتبالیستی که فرماندار پناه شد

علاقه زیادی به ورزش خصوصا فوتبال داشت و جزو فوتبالیست های خوب تهران بود و در تیم ایرانا به مربیگری مرحوم پرویز دهداری عضویت داشت.



علاقه زیادی به ورزش خصوصا فوتبال داشت و جزو فوتبالیست های خوب تهران بود و در تیم ایرانا به مربیگری مرحوم پرویز دهداری عضویت داشت.

به گزارش گروه «حماسه و مقاومت« خبرگزاری فارس، 6 شهریور 1361 سالروز شهادت سردار بزرگ اسلام «شهید ناصر کاظمی« است. متن زیر یادداشتی است که برادر ایشان، پرویز کاظمی برای خبرگزاری فارس ارسال نموده است:

«#171; به نام خدا «

«#171; ورزش یکی از عرصه هایی است که جوانان به صورت گسترده در آن وارد می شوند و شخصیت هایی را به عنوان الگو انتخاب می کنند که در کشور ما مرحوم غلامرضا تختی یکی از آنهاست. در بین شخصیت های سیاسی و نظامی کشور، یکی از افراد متدین، انقلابی و ایثارگر که در عین حال ورزشکار موفق نیز بوده، شهید ناصر کاظمی است. « مقام معظم رهبری

به یاد سرو بلند قامت کردستان که در ششم شهریور 1361 به دیدار معشوق شتافت، خاطراتی از فداکاری ها، رشادت ها، مدیریت و مردمی بودن ایشان به قلم برادر شهید کاظمی :

علاقه زیادی به ورزش خصوصا فوتبال داشت و جزو فوتبالیست های خوب تهران بود و در تیم ایرانا به مربیگری مرحوم پرویز دهداری عضویت داشت. به هرحال خصوصیتی که مرحوم دهداری قبل از انقلاب داشت شاخص بود و بچه هایی هم که برای ورزش کردن دور هم جمع می شدند فقط هدف همین ورزش نبود و مسائل و جلسات دیگر هم بود که تعدادی کتاب و بحث های اخلاقی در آن جلسات مطرح می شد. به تدریج به شرایطی رسید که بایستی در کنکور دانشگاه شرکت می کرد. در رشته تربیت بدنی وارد دانشگاه شد. در سال 56 ورزشکاران آمریکایی به ایران آمده بودند تا در مسابقات کشتی شرکت کنند. ایشان به اتفاق تعداد دیگری از دانشجویان تصمیم می گیرند در سالن مسابقات به دلیل اعتراض به حمایت های آمریکا از رژیم منحوس شاهنشاهی، پرچم آن کشور را به آتش بکشند و پس از چندی فراری بودن توسط رژیم دستگیر و در زندان قصر زندانی شدند .

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ناصر جزو اولین نفراتی بود که به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ملحق شد و دوره های آموزشی خیلی کوتاه و سریعی را طی کرد .

در مرحله اول به دلیل مسائل مربوط به خلق عرب به خرمشهر اعزام شد و بعد از آنجا به مدت شش ماه در زابل در استان سیستان و بلوچستان در خدمت مردم بود. در دوره آموزشی با شهید بروجردي آشنا شده بود و ایشان از ناصر خواست تا به عنوان فرماندار پناه انجام وظیفه نماید که سر آغازی جهت فعالیت های گسترده ایشان بود .

آن موقع اطراف پناه و بیمارستان آنجا به طور کامل در محاصره ضد انقلاب بوده و آنها می دانستند بین دولت و نظامی ها تفاوت وجود دارد و به همین دلیل ایشان زمان ورود به پناه با ریش به اصطلاح پروفیسوری و با قاطعیت به عنوان فرماندار و ارائه حکم فرمانداری به دمکرات ها وارد پناه شد .

با توجه به جو اختناق و ضد انقلابی که در منطقه حاکم بود اکثر اوقات قبل از خطبه های نماز جمعه که به امامت ملا قادر قادری برگزار می شد سیاست های نظام و اخبار را برای مردم تشریح می کرد و هم چنین به منظور آگاهی مردم و خصوصا جوانان جلساتی را به عنوان مناظره و پرسش و پاسخ در فرمانداری برگزار می کرد که مورد استقبال عموم بود و حضار با آزادی کامل به بیان نظرات خود می پرداختند .

به لحاظ حساسیت منطقه، ایشان به طور همزمان فرماندار و فرمانده سپاه بود و همیشه در عملیات های پاکسازی در خط مقدم حضور داشت . شهید رجائی در زمانی که نخست وزیر بودند به منظور بررسی مسائل منطقه بدون اطلاع قبلی به اورامانات آمدند و سراغ فرماندار را می گیرند، و به او می گویند ایشان در عملیات در کوهستان می باشد و بایستی با بی سیم با ایشان تماس بگیرند تا بیایند . شهید رجائی منتظر می ماند تا ایشان از منطقه عملیاتی با لباس گردی و لب های خشک شده که دو روز تمام در کوهها بود می آیند و آقای رجائی ایشان را در آغوش گرفته و می گویند، افتخار ما این است که مسئولین ما در صف مقدم همیشه حضور دارند . در عملیات آزاد سازی منطقه شمشیر از ناحیه شکم بر اثر اصابت گلوله مجروح می شود و هنگامی که در بیمارستان پناه بستری بود به لحاظ محبوبیتی که بین مردم داشت و همیشه با مردم و در کنار مردم بود، اهالی منطقه برای سلامتی ایشان روزه گرفته بودند و مرغ و خروس به نیت نذر به بیمارستان می آوردند و این خاطره در منطقه به عنوان یک تاریخ واقعا ماندگار اثری است جاودانی . در جهت تربیت نیروها بسیار توجه داشت و به عنوان مباحث مدیریتی همیشه به دیگران در این زمینه نیز توصیه هایی را می نمود .

اوایل که شهید حاج ابراهیم همت به عنوان مسئول روابط عمومی سپاه پاوه شروع به کار کرده بود و مقرر شد در عملیات ها از ایشان استفاده گردد، در یکی از عملیات ها به نام «171#&» محمد رسول الله (ص) «، شهید کاظمی مسئولیت عملیات را به همت واگذار کرد لکن نظارت عالی بر روند آن را نیز بر عهده گرفت و زمانی که عملیات با مشکل مواجه شد خودش وارد عمل شد و خوشبختانه با موفقیت نیز همراه شد اما این روش باعث شد تا شهید همت شخصی شود که در منطقه عملیاتی جنوب آن شهامت ها و رشادت ها را نیز خلق نماید .

حرمت و احترام زیادی برای لباس سپاه قائل بود و حتی سعی می کرد در خارج از منطقه عملیاتی کمتر از لباس سپاه استفاده کند و معتقد بود این لباس بسیار مقدس است و سنگینی اش را روی دوشم احساس می کنم چون خون افراد پاک برای این لباس ریخته شده و باید احترام آن را حفظ کرد. نگران بود که خدای ناکرده این لباس بر تن باشد و رفتاری انجام شود که به قداست آن خدشه وارد گردد .

زمانی که بسیاری از مناطق بیرون از پاوه در اختیار ضد انقلاب بود ایشان اعلام کرد قصد دارد به منطقه نوسود که یک شهر مرزی است و فاصله آن تا پاوه حدودا 40 کیلومتر می باشد بیاید و ضمن مذاکره با مردم و گروهک ها، مواضع جمهوری اسلامی را نیز اعلام نماید .

در واقع حضور در بین ضد انقلاب با آن همه تجهیزات نظامی، شهامت، جسارت و ابتکار فوق العاده ای نیاز داشت و زمانی که به همراه معاونش وارد نوسود شد اعلام کرد در بخشداری حاضر می شوم و هر کس مطلبی دارد به آنجا بیاید و پس از اعلام نظرات و مواضع جمهوری اسلامی به پاوه برگشت و این عمل باعث شد تا بسیاری از مردم منطقه به کمک برادران سپاه بشتابند و ماهیت ضد انقلاب برای ایشان مشخص گردد .

شهید کاظمی همیشه برای مردم اهمیت و احترام بسیار قائل بود و به همین دلیل هم در فرازهایی از وصیت نامه شان اشاره می کند که ما بایستی بین ضد انقلاب و مردم تفاوت قائل شویم . این دیدگاه بسیار حائز اهمیت است و تا شخصی در منطقه نبوده باشد نمی تواند این موضوع را خوب لمس کند . در منطقه ای که درگیری و خشونت وجود دارد و بسیاری از دوستان عزیز در عملیات ها به شهادت می رسند، درایت و تیز بینی می خواهد تا بتوانید با دید مثبت به جذب مردم به نظام بپردازید . ناصر، مردمی، آینده نگر، مدیر، باشهامت، برنامه ریز و پیش قدم در هر کاری بود، در مقابل سختی ها صبور بود و مشکلات را تحلیل می کرد و سعی می کرد راه حل مناسبی برای آن پیدا کند . ایشان به تمام معنا فدایی امام و انقلاب بود. «